

سراج‌الدین بابایف

برخی سنتهای جشن عروسی تاجیکان بخارا

اساساً مرحله اصلی جشن عروسی در بخارا، «طوی کلان» (جشن بزرگ) است که عروس به خانه داماد می‌رود. این مرحله مراسم خاص خود را دارد که در این مقاله به طور مختصر بدان پرداخته می‌شود.

حمام‌بران - حمام‌بران به عنوان مراسمی رسمی و سنتی در گذشته، فقط در شهر بخارا رایج بوده است. این رسم در روستاها به طور رسمی و مستقل برگزار می‌گردد.

در شهر پس از معین شدن روز طوی کیوانی‌گنر (زن بزرگ محله)، زنان و دختران محله را به خانه صاحب دختر خبر می‌کرد: «امروز حمام‌بران، نماز دیگر (نماز عصر) حنابندان، فردا رخت‌زنان، شب نکاح». روز حمام‌بران در خانه عروس، دوشیزگان و جوان‌زنها جمع می‌آمدند. از یک روز پیشتر، خانواده داماد نان، گوشت، روغن و... «آلیق حمام» (حنا، ۱۰-۱۲ قالب صابون، تن‌پاک‌کن، چکه، شانه، بدن‌پیچان) و حمام‌پولی می‌فرستاد. سپس ضیافت ترتیب داده می‌شد. بعد از ضیافت، دو سه ارابه را آرایش می‌دادند. دختران عروس را دوره کرده، به ارابه می‌نشستند و ارابه به سوی یکی از حمامهای زنانه شهر («شیشه‌خانه»، «کُنچ قلعه»، «عظیم»، «آینه‌کاری»، «بازارِ کارد» و...) حرکت می‌کرد. سرودخوانان و دایره‌زنان در بین راه عروس را همراهی می‌کردند. پس از استحمام در اتاقکی مخصوص استراحت می‌کردند که از خانه داماد به آنجا غذا فرستاده می‌شد. مَغنی‌ها را نیز دعوت نموده، بزم می‌آراستند. ابروچین (مشاطه) را نیز به حمام دعوت می‌کردند. پس از بزم، ابروچین عروس را آرایش می‌داد. از این لحاظ این سنت را بعضاً «حمام‌بران و ابروچینان»

می‌نامیدند. طبق نوشته ر.آ. گالونف، حمام‌بران تهران شبیه حمام‌بران بخارا بوده است (رک: گالونف، ۱۹۳۰، ص ۱۸۷-۱۹۵).

حمام‌بران در شهر بخارا تا نیمه اول سالهای ۵۰ سده بیست برگزار می‌شد و رسم اساسی جشن عروسی به حساب می‌رفت. اکنون این مراسم به طور رسمی برگزار نمی‌شود. امروزه شستشو و آرایش عروس از طرف نزدیکان در خانه والدین صورت می‌گیرد. **حنابندان** - حنابندان یکی از رسوم قدیمی زنان ایرانی است که در روزهای عید و جشن عروسی جوان‌زنان و دوشیزگان به دست و پای یکدیگر حنا بسته، شادی می‌کنند. در بخارا و سمرقند، حنابندان به عنوان یکی از مراسم اساسی جشن عروسی تا این اواخر رایج بود.

حنابندان در بخارا یکی دو روز پیش از جشن بزرگ پس از حمام‌بران، بیگاهی (هنگام عصر) برپا می‌شد که در آن دوستان و نزدیکان عروس، جوان‌زنهای محله و برخی خویشان داماد دعوت می‌شدند. حاضرین پس از ضیافت، بزم می‌آراستند و مطربان ترانه‌خوانی می‌کردند که بیشتر این سرود را می‌خواندند:

حنا حنا می‌بندیم

به دست و پا می‌بندیم

اگر حنا نباشد

آب طلا می‌بندیم

حنا حنا می‌بندیم

به دست و پا می‌بندیم

اگر حنا نباشد

طوق طلا می‌بندیم

اگر حنا نباشد

دل به خدا می‌بندیم (بابایف ۲۰۰۶، ص ۳۴)

مشاطه‌ها عروس را آرایش می‌دادند. زن خوشبختی سر و لباس زردوزی به عروس می‌پوشاند. برخی از حاضرین موی عروس را شانه کرده، می‌ده‌بافی (ریزبافی) می‌کردند. به دست و گردن او زینت و زینت می‌آویختند. سپس عروس را دوره کرده، به بالای کورچه‌ای (تشکچه پنبه‌ای) که روی آن صوف (پارچه نخی) سفید انداخته‌اند، می‌نشانند و بعداً حنابندی صورت می‌گرفت. رسم حنابندی بخارا را احمد علی رجایی خیلی خوب تصویر نموده است که فرخه ذهنی‌اوا با تکیه بر قول وی از آن یادآور می‌شود: «حنابندان) مراسم حنا بستن دست دختری است که عروس می‌شود. یک روز قبل در خانه عروس عده‌ای از زنان خویش عروس و داماد دعوت دارند و مطربان به نوازندگی و پایکوبی مشغولند. روز دوم هنگام چاشت آرایشگران عروس را می‌آریند و بعد او را در حالی که رامشگران پیشاپیش وی آهنگ مبارکباد می‌نوازند و می‌خوانند، وارد مجلس می‌کنند و بر تشکی که رویش پارچه سفید کشیده‌اند، می‌نشانند. بعد ظرف بزرگی را که در آن حنا به آب گرفته‌اند، پیش می‌آورند و برابر عروس می‌نهند. در این هنگام دست راست عروس را بالای سرش، به طوری که کف آن رو به هوا باشد، می‌گذارند و یکی از زنان گلوله‌های کوچکی از حنا ساخته پیاپی به دست عروس می‌نهد و زنان حاضر در مجلس یکی یکی آمده، یک یا چند گلوله حنا از دست عروس برمی‌دارند و برای زنان مسن، زنی که مخصوص اجرای این مراسم است، می‌برد و به آنان می‌دهد. معمولاً این گلوله‌های حنا را در کاغذ پیچیده، به منزل می‌برند... روز بعد که مجلس برقرار است و نگسسته، مراسم عقد و بردن عروس صورت می‌گیرد» (ذهنی‌اوا ۱۹۷۸، ص ۳۱-۳۲).

در آخر مراسم به همه دوستان دختر عروس یک عدد صابون، دستمال و قدری حنا می‌دهند. عروس با دست و پای حنابسته می‌خوابد. صبح دیگر دست و پای او را تنها مادر یا خواهر می‌گشاید. مراسم «حنابندان» اکنون تقریباً از بین رفته است.

پدرآشی یا آتش پدران - این مراسم با نام «پدرآشی» در ناحیه‌ها و «آش پدران» در شهر برپا می‌شود. مراسم «پدرآشی» روز رفتن داماد به خانه عروس، یا یک روز پیش از جشن بزرگ برپا می‌گردد. صبح زود در خانه عروس همسایه‌ها، خویش و تبار، اهل محل و اهل مسجد نیز می‌آیند. ضیافت اساسی این جشن «آش صافی» است. پس از خوردن «آش صافی» یک پیاله شربت یا جای سیاه شیرین به مهمانها می‌دهند.

در این مراسم سه چهار نفر از طرف داماد نیز شرکت می‌کنند. در این روز در خانه داماد مراسم «جامه‌پوشانی» برگزار می‌گردد. مخارج پدرآشی به عهده خانواده داماد است.

جامه‌پوشانی - مراسم مذکور را در شهر «جامه‌پوشانی» و در ناحیه‌ها «سر و پا پوشانی» می‌گویند. پس از پدرآشی، از جانب خانواده عروس سه چهار نفر از زنها سر و پای داماد (سله (دستار)، کله‌پوش (عرقچین)، جامه زردوزی، میان‌بند و رویمالچه (دستمال) و...)، یک لگن سمبوسه و آش معرکه (پلوی ضیافت) جشن به طبق‌ها گرفته، به خانه داماد می‌روند. در شهر شرکت مردها ضرور نیست، ولی در ناحیه‌ها مردها نیز اشتراک می‌کنند.

چه در شهر و چه در ناحیه‌ها، رسم «جامه‌پوشانی» یک نوع بود. خویش و تبار از جمله مردان در حیاط خانه دوره می‌آراستند. داماد در خانه کُرتَه (جامه) و ایزار (شلوار) سفید را پوشیده، با لباسهای سنتی خود به میان جمع می‌آمدند. جامه و سله (دستار) او را باید یک موسفید تک زوجه و بسیارفرزند پوشاند. او داماد را رو به قبله گردانده، از دست راست جامه را می‌پوشاند. موسفید کله‌پوش را به سر خود نهاده، داکه (نوعی پارچه نخی) سفید را به گردش می‌پیچاند و بعد از آن، کله‌پوش (نوعی کلاه محلی شبیه به عرقچین) و سله (دستار) را به سر داماد می‌گذارد. پس از آن میان‌بندهای گلدوزی داماد را از زیر جامه و یا بالای جامه بسته، به آن دستمالهای داماد را می‌آویزد. اصلاً دو تا میان‌بند می‌بستند، چون که هنگام به تگ چیمیلیق (چادر) در آمدن، در یکی از آنها داماد شیرینی‌های تگ چیمیلیقی را پیچانده، برای دوستانش می‌آورد.

دامادبران - مراسم داماد به خانه عروس بردن را «دامادبران» می‌نامند. داماد را دوستانش به خانه عروس می‌برند و در آنجا به داماد جامه می‌پوشانند. سپس تا آماده شدن عروس، در بیرون دروازه گلخن (آتش) می‌افروزند و در گرد گلخن بزم می‌آریند. خرد و کلان از بالای آتش می‌پرند. طوری که ما در دیهه جوی نو ناحیه شافِرکان مشاهده کردیم، دو سه مرد میانسال دستها را به گردن همدیگر حلقه کرده، به بالای آتش خم شده «اوه او، اوه او» گویان، به گرد گلخن دور می‌زنند. این لحظه را «جَر» می‌نامند و طبق گفته مردم «جَر کردن» به نیت ترساندن و دور کردن نیروهای بد می‌باشد. پس از آن مشعل روشن می‌کردند.

در روستاها داماد را با یک مشعل و در شهر بخارا با دو مشعل به خانه عروس می‌برند. هم در شهر و هم در روستاها پس از رسیدن به منزل عروس، مشعل را در نزدیکی حجره‌ای که داماد وارد می‌شود، به زمین فرو می‌کنند. مشعل باید خود خاموش گردد، نمی‌گذاشتند که کسی قصداً خاموش سازد.

در گذشته پس از آوردن عروس به خانه داماد، زنان را به خانه اندرونی یا اتاقی که چادر عروسی زده شده و مردان را در مهمانخانه یا حولی (صحن منزل) جا می‌دادند. پیش از ضیافت و بعد از آن هم، در حلقه زنان و هم مردان بزم سرود و رقص ادامه می‌یافت. این لحظه در «یادداشت‌ها» استاد عینی خیلی خوب تصویر شده است: «در بخارا عادتاً در طوی‌ها (جشن عروسی) بزمهای دایرگی تشکیل می‌شد. در طوی‌های بایها (ثروتمندان) بزم را همیشه در بسته می‌کردند که در آنجا غیر از مهمان‌های مخصوص خبر کرده شده، دیگر کس نمی‌آمد. اما بزمهای عامه مردم در کشاده (گشاده) و عاموی بوده، با شنیدن آواز دایره، هر کس حق داشت که به آن بزم برای تماشا رود و این گونه تماشا بینان را «دایره‌خبر» می‌گفتند» (عینی ۱۹۶۲، ص ۱۱۲-۱۱۳).

در بزم مردان «جوانی» می‌رقصید و شرکت زنان از جمله رقصیدن رفاصه منع بود.

استاد عینی در «یادداشت‌ها» این موضوع را نیز چنین ثبت نموده است:

«همه این گونه بزمها رسمی بوده، سازندگان (نوازندگان) را به خط (مجوز) رسمی میرشَب و با نام «بزم طوی فلانی» می‌آوردند. سازندگان رسمی عادتاً به دسته‌ها تقسیم یافته بودند، یک دایره‌دست (دایره‌زن) سالخورده اوستا کار به شمار می‌رفت. در زیر دست او یک جوان رقص، سه و یا چهار نفر دایره‌دست داده می‌شد. این دسته‌ها با خوش‌آوازی خوانندگانشان، با زبردستی دایره‌دست‌هایشان و با هنرمندی رقصانشان از یکدیگر فرق می‌کردند. بنابر این، برای به دست درآوردن دسته‌های نغز خیلی جنجال و خَرخشه (جنگ و جدال)، واسطه‌های با آبرو، پاره (رشوه) و «هدیه» به کار می‌رفت» (عینی ۱۹۶۲؛ ص ۱۱۳).

تعامل‌های تگ چیمیلیقی - تعامل تگ چیمیلیقی (رسم زیرچادری) معمولاً در خانه والدین عروس (در اتاق چیمیلیق زده شده) یا در زیر چیمیلیق می‌گذرد. رسم‌های تگ چیمیلیقی شامل «پاپخش کنی»، «جواب» و «شربت‌لیسانی» می‌باشند.

پاپخش کنی - پس از «سلامنامه» خواندن - که این هم یک رسم جالب است - به عروس و داماد و به درون چیمیلیق بردن، رسم «پاپخش کنی» برگزار می‌گردد. در این هنگام پرده چیمیلیق باز است. عروس و داماد هر کدام کوشش می‌کنند که با پای راست خود پای چپ یا راست همدیگر را زیر نمایند. هر که اول پای دیگری را زیر نماید، به گفته گویندگان «زبان‌دُرازی» او بوده است و در حیات خانوادگی همیشه دست‌بالا شده، «گپش در همه جا می‌گذشته است (حرفش همه جا قبول خواهد بود)».

جواب - رسمی است برای اجازه به نشستن و خیرمقدم گفتن به عروس و داماد که بر اساس آن پدر و مادر، برادر و خواهر و سپس خویش و تبار «جواب» (اجازه) می‌دهند. از جمله می‌گویند: «خوش آمدید، شنیدید (بنشینید)، پیر شوید، قوشه‌پیر شوید (با هم پیر شوید)، عیال‌مند (فرزنددار) شوید، حولی (منزل) و خانه شما پای‌انداز، جانم و مالم را دادم، خودم هم خدمتتان» سپس عروس و داماد می‌نشینند. «جواب» تاجیکان ولایت بخارا از مناطق دیگر

تاجیک‌نشین با آن فرق می‌کند که آن هم در خانه والدین داماد و هم والدین عروس برگزار می‌گردد. در خانه عروس اهل عایله و خویش و اقربای او «جواب» می‌دهند و در خانه داماد برعکس، پدر و مادر و خویش و تبار او.

شربت‌لیسانی - پس از نشستن و عروس و داماد رسم «شربت‌لیسانی» (شربت لیسیدن) اجرا می‌شود. و کیله (عاقده) دو کاسه شربت را به تگ چیمیلیق می‌آورد. اول جوانها سپس دیگران به خاطر خوشبختی نوخانه‌داران یک جرعه از آن می‌نوشند. در شهر بخارا طبق معلومات ما، داماد شربت را نمی‌نوشد. داماد با انگشت دست راستش شربت را اول به عروس لیسانیده، ثانی خود می‌لیسد و بعد به حاضران برمی‌گرداند. در این مورد سرود زیرین خوانده می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَی هَی در لب داماد

شربت در لب کیلین (عروس)

پسته شکند داماد

مغزشه خورد کیلین

کیلین در قوقند است

داماد در سمرقند است

سلیک (دستار) سر داماد

همیش (همیشه) عسل و قند است (بابایف ۲۰۰۶، ص ۳۹-۴۰)

بعد از نوشیدن شربت عاقده در آمده، در لعلی (سینی) هزار اسپند (اسفند) گرفته، گرد سر

عروس و داماد سه مرتبه می‌چرخاند و دعای زیر را می‌خواند تا به نوخانه‌داران «چشم بد» نرسد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هزار اسپنده دود کردیم

هزار بلایه دور کردیم

چشم خویش، چشم میش

همسایه‌های گرد و پیش

هر انس و هر جنی باشد

سوزد در همین آتش تیز

هزار اسپند هزار دانه

دودش به شفت (سقف) خانه

داماد به یار و جوریش (دوستش) بیگانه

به یار خودش پشه و پروانه (بابایف ۲۰۰۶، ص ۴۰)

تگ چیمیلیقی - تگ چیلیمیقی، خوردنی‌هایی مثل چهارمغز (گردو)، دانه شورک (دانه

پرورده زردآلو)، سمبوسه، سیب، انار، شیرینی، شش‌الی هشت تخم مرغ پخته و نانهای که

هنگام «سلامنامه‌خوانی» بالای سر عروس و داماد نگاه داشته بودند و امثال اینها است که نزد

عروس و داماد می‌گذارند. همه این همه این خوردنی‌هایی که به چیلیمیق آورده می‌شود، حتماً

باید جفت باشند تخم مرغ را و کیله (عاقده) به دامن عروس می‌پرتابد و آواز مرغ را تقلید

کرده، به شوخی قُت قُت می‌کند. معمولاً عروس از جایش می‌خیزد. اگر تخم‌ها به زمین افتاده،

بشکنند، رمز به دنیا آمدن فرزند است.

عروس و داماد از آن خوردنی‌ها تناول کرده، بقیه را داماد به میان‌بند خود بسته، از

زیر چیمیلیق به دوستانش می‌دهد. جوانها تلاش می‌کنند که حق خود را بگیرند. در سالهای

اخیر عادت شده است که در زیر چیمیلیق به عروس و داماد از جانب خویشاوندان تحفه‌ها

دهند. رسم و رسوم تگ چیمیلیقی امروزه پیش از آغاز شب‌نشینی («ویچر» -вечер- واژه روسی) انجام می‌گیرد و گاهی بعد از شب‌نشینی.

وچر/ وچیر (شب‌نشینی) - مراسم عروسی امروزی را بی شب‌نشینی تصور کردن ناممکن است. چه در شهر و چه در دهات، گذراندن شب‌نشینی رسم است که از آن به عنوان «ویچر» نام برده می‌شود.

اکنون شب‌نشینی در خانه عروس برپا می‌شود و مخارج آن به عهده خانواده داماد است. در سالهای پیش جشن عروسی اساساً در خانه پسر برگزار می‌شد. حالا تنها در موارد استثنایی (مثل عزادار بودن طرف دختر و دیگر علل) جشن را در خانه پسر می‌گذرانند. «ویچر» شب‌نشینی است که در آن سنتهای ملی با سنتهای اروپایی در آمیخته، به طور کلی به یک صورت برگزار می‌شود:

در حولی، رستوران یا در هر جای مناسب، برای مهمانان و عروس و داماد میز و صندلی می‌گذارند. روی میز را از انواع و اقسام خوردنی‌ها آرایش می‌دهند. در پشت سر عروس و داماد، روی قالیچه‌ای نام آنها را می‌نویسند.

پس از اجرای مراسم تگ چیمیلیقی، به عروس پیراهن اروپایی پوشانده، او را با داماد به این «بزم» می‌آورند. یک جوان از کنار داماد و یک دختر از کنار عروس و چهار نفر از دوستان عروس و داماد بالای سر آنها متاع سفیدی را نگه داشته، وارد مجلس می‌کنند. در این هنگام خویشان و پیوندان، سکه و شیرینی‌پاشی می‌کنند. حافظان (خوانندگان) سرود مراسم عروسی «بادا بادا بادا» را می‌سرایند.

معمولاً جشن را شخص بانفوذی با سخنانی عمومی افتتاح نموده، مهمانان را خیرمقدم می‌گوید و یکی را «دوره رئیس» (مجری بزم) انتخاب می‌کنند. چند لحظه سرود و رقص برگزار می‌شود و بعد صدر مجلس، پدر، مادر و خویشاندان را به نوبت به «جواب» دادن دعوت می‌نماید، تا به عروس و

داماد اجازه نشستن بدهند. بزم تا نصف شب ادامه می‌یابد. پس از انجام شب‌نشینی، چهار نفر عروس را با ساز و آواز زیر «چادر بخت» به همراه داماد تا آستانه اتاق بدرقه می‌کنند. صبح دیگر (در شهر) و یا در همان شب (در دهات) آخرین مراسم اساسی جشن بزرگ «کیلین‌فراران» دایر می‌گردد.

کیلین‌فراران - رسم به خانه داماد بردن عروس را در ولایت بخارا «کیلین‌فراران» (عروس آوردن) می‌گویند. کیلین‌فراران در شهر بخارا روز بعد از «شب‌نشینی» (ویچر) صبح زود برگزار می‌گردد. این مراسم باید پیش از طلوع آفتاب انجام پذیرد تا به عروس «چشم نرسد».

در ناحیه‌ها چنان که ما در روستاهای تاجیک‌نشین ناحیه شافرکان (روستاهای جوی نو، غلام‌تپه، تل سفید، وردانزه) و ناحیه پیشکوه (روستاهای علی‌یار، شوگان، قلعه، چقورک) مشاهده نمودیم، کیلین‌فراران پس از خاتمه شب‌نشینی دایر می‌گردد.

در گذشته عروس را از طریق ارابه، اسب یا فایتون (درشکه) می‌بردند. حالا نیز قبل از به خانه داماد بردن، پیراهن سنتی «کرته» (پیراهن بخت)، محسی (پاپوش تنک چرمین)، لباسها و دیگر لوازمات ضروری را به عروس می‌پوشانند، مویش را می‌ده‌بافی (ریزبافی) می‌کنند و به سرش فرنجی (روبند محلی) می‌پرتابند. طبق تعامل (رسم)، عروس با پدر، اگر پدر نباشد با برادر یا دایی خداحافظی می‌کند. پدر پایش را به آستانه در می‌گذارد و دختر سه مرتبه سر به زانوی پدر می‌رساند. این رمز سپاسگزاری و رضایت پدر است. این تعامل اکنون نیز پابرجاست. طوری که ما مشاهده کردیم، پدر به دختر فاتحه (دعای خیر) داده، پیش از بر آمدن از خانه، دستمالی سفید گرفته، در آن مقداری خمیرترش، نان و دو قاشق پیچانده، به میان دختر می‌بندد. دختر آن را باید در خانه شوهرش گشاید. در برخی موارد خمیرترش را به دستمال پیچانده، به دست عروس می‌دهند و آن را او زیر بغل به خانه شوهر می‌برد. طوری که به ما گفتند، خمیرترش رمز صاحب فرزند شدن، نان رمز دولت و ثروت و قاشق رمز آن است که هم عضو خانواده پدر و هم عضو خانواده شوهر است.

ناوابسته به شب یا روز بودن، برای پیشواز عروس در صحن منزل داماد گلخن می‌افروزند. داماد عروس را در حالی که کتف راستش را گرفته، از ماشین به نزد گلخن می‌آورد و در اطراف آن سه مرتبه دور زده، تا در آمدگاه حجره چیمیلیق زده می‌برد. طبق معلومات گویندگان، هنگام در گرد آتش دور زدن، دیو و اجنه‌هایی که بین نوخانه‌داران (عروس و داماد) وارد گشته باشند، سوخته و نابود می‌شوند.

ن.ن. خاروزین، محقق روس، افروختن گلخن و گرد آن دور زدن را رمز احترام به روح گذشتگان داماد و درخواست قبول نمودن بیگانه‌زن به خانواده نو شرح داده است (خاروزین ۱۹۰۳، ص ۱۴۵).

در گذشته پیش از به حولی وارد شدن، پیش پای عروس «خون کردن تگل» یعنی سر بریدن قوشقار (قوچ) حتمی بود. حالا نیز این رسم بعضاً مشاهده می‌شود. سپس عروس را با «سلامنامه خوانی» به پس پرده چیمیلیق می‌برند. موافق رسم و آیین، شخصی معتمد چیمیلیق را از خانه پدر و مادر عروس کنده، به خانه داماد می‌زند.

پس از به زیر چیمیلیق در آوردن، عروس راست می‌ایستد و والدین و نزدیکان داماد، عروس را به نشستن اجازه می‌دهند. بعد از نشستن عروس و کیله (عاقده) هزار اسپند دود می‌کند. فرنچی را از سر عروس می‌گیرند. در ناحیه شافرکان (روستاهای ینگی‌آباد، وردانزه، جوی نو) خواهر یا خواهرزاده داماد فرنچی را از سر عروس با قاشق چوبین می‌گیرد. در شهر بخارا اکثراً این عمل را خود داماد اجرا می‌کند.

چه در شهر و چه در روستا، رسم «کیلین‌فراران» روزانه اجرا می‌گردد. خویش و اقربای عروس رشته‌ای را در دو طرف خانه می‌کشند و بر آن لباسهای عروس و داماد را می‌آویزند. سپس در حضور مهمانان جشن اساسی «کیلین‌فراران» در حجره چیمیلیق زده صورت می‌گیرد. عروس سه مرتبه سر و لباس عوض نموده، به میان جمع می‌آید و به حاضرین

تعظیم کرده، به جایش می‌نشینند. امروزه «کیلین‌فراران» گاهی در حضور مهمانان در حولی (حیاط منزل) دایر می‌گردد.

با رفتن مهمانها، دو زن بانفوذ بستر خواب را که «جای پست»، «جای پیاده» و «جای بلند» می‌نامند، می‌گسترند. بستر بیرون از چیمیلیق پرتافته می‌شود که معمولاً کورپه‌ای (تشکی) می‌باشد که یک طرف آن صوف سفید و طرف دیگرش گل‌بخمل (مخمل گل‌دار) است. پس از گستردن، به بالای کورپه، صوف سفید می‌پرتابند و بالش بخمل می‌گذارند.

در شهر بخارا زنان در حجره تا پاسی از شب می‌نشینند. بعد از رفتن حاضران، داماد را به نزد عروس می‌برند. برای اثبات دوشیزگی عروس «چشمبند»، «کرته بخت» و صوف بالای بستر استفاده می‌شود. «چشمبند داکه (پارچه) سفیدی است که هنگام پوشاندن کلته پوشک و فرنچی به سر عروس، از زیر کلته پوشک پرتافته می‌شود که آن را پس از گرفتن فرنچی دو پاره نموده برای استفاده به عروس و داماد می‌دهند.

پی‌نوشتها:

۱. عینی ص. یادداشتها - کلیات، جلد ۷، دوشنبه ۱۹۶۲.
۲. بابایف س - جایگاه نظم شفاهی در عروسی تاجیکان بخارا. خجند ۲۰۰۶
3. Галунов Р. Средняя персидская свадьба. Сборник музея антропологии и этнографии, т. 9. М., 1930.- С. 187-195.
4. Харузин Н.Н. Этнография. Т.2. Санкт-Петербург, 1903.